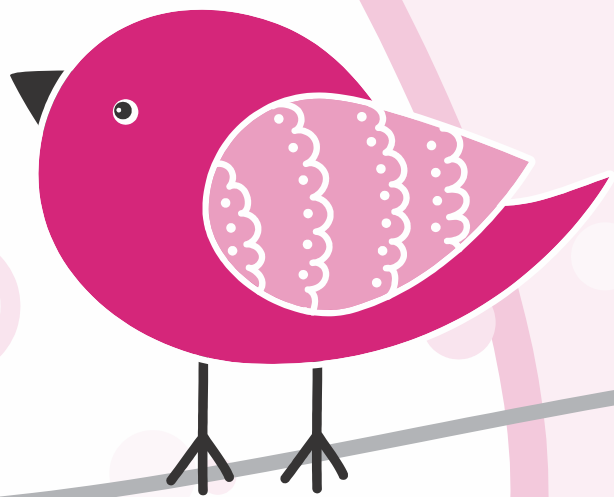


# فارسى پنجم



مؤلف: حميد طالب تبار

## فهرست

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
		۵	مقدمه
۱۹۳	بخش دوم (پرسش‌های چهارگزینه‌ای)	۷	بخش اول (معنی لغت، شعر و جمله‌های دشوار)
۱۹۴	درس اول: تماشاخانه	۸	ستایش: ای همه هستی ز تو پیدا شده
۲۰۰	پاسخ تشریحی	۱۲	درس اول: تماشاخانه
۲۰۳	درس دوم: فضل خدا	۲۱	بخوان و حفظ کن: رقص باد، خنده‌ی گل
۲۰۸	پاسخ تشریحی	۲۵	درس دوم: فضل خدا
۲۱۰	درس سوم: رازی و ساخت بیمارستان	۳۲	بخوان و بیندیش: راز گل سرخ
۲۱۵	پاسخ تشریحی	۳۴	حکایت: درخت گردکان
۲۱۷	درس چهارم: بازرگان و پسران	۳۶	درس سوم: رازی و ساخت بیمارستان
۲۲۰	پاسخ تشریحی	۴۵	بخوان و حفظ کن: خرد رهنمای و خرد دلگشای
۲۲۱	درس پنجم: چنار و کدوئین	۴۸	درس چهارم: بازرگان و پسران
۲۲۵	پاسخ تشریحی	۵۷	درس پنجم: چنار و کدوئین
۲۲۶	درس ششم: سرود ملی	۶۴	بخوان و بیندیش: گلدان خالی
۲۳۰	پاسخ تشریحی	۶۷	حکایت: زیرکی
۲۳۲	درس هشتم: دفاع از میهن	۷۰	درس ششم: سرود ملی
۲۳۷	پاسخ تشریحی	۷۷	بخوان و حفظ کن: ای ایران
۲۳۹	درس نهم: نام‌آوران دیروز، امروز، فردا	۸۱	درس هفتم: آزاد (فرهنگ بومی ۱)
۲۴۲	پاسخ تشریحی	۸۲	درس هشتم: دفاع از میهن
۲۴۳	درس دهم: نام نیکو	۹۲	بخوان و بیندیش: ریئس علی
۲۴۷	پاسخ تشریحی	۹۵	حکایت: وطن دوستی
۲۴۸	درس یازدهم: نقش خردمندان	۹۸	درس نهم: نام‌آوران دیروز، امروز، فردا
۲۵۲	پاسخ تشریحی	۱۰۶	بخوان و حفظ کن: سرای امید
۲۵۳	درس دوازدهم: بخوان و بیندیش	۱۰۹	درس دهم: نام نیکو
۲۵۷	پاسخ تشریحی	۱۱۶	درس یازدهم: نقش خردمندان
۲۵۸	درس سیزدهم: روزی که باران می‌بارید	۱۲۳	درس دوازدهم: آزاد (فرهنگ بومی ۲)
۲۶۲	پاسخ تشریحی	۱۲۴	بخوان و بیندیش: فردوسی، فرزند ایران
۲۶۳	درس چهاردهم: شجاعت	۱۲۹	حکایت: بوعلی و بانگ گاو
۲۶۶	پاسخ تشریحی	۱۳۲	درس سیزدهم: روزی که باران می‌بارید
۲۶۷	درس پانزدهم: کاجستان	۱۳۸	بخوان و حفظ کن: بال در بال پرستوها
۲۷۲	پاسخ تشریحی	۱۴۱	درس چهاردهم: شجاعت
۲۷۴	درس شانزدهم: وقتی بوعلی، کودک بود	۱۴۹	درس پانزدهم: کاجستان
۲۷۸	پاسخ تشریحی	۱۵۸	بخوان و بیندیش: زیر آسمان بزرگ
۲۸۰	درس هفدهم: کار و تلاش	۱۶۱	حکایت: حکمت
۲۸۵	پاسخ تشریحی	۱۶۴	درس شانزدهم: وقتی بوعلی، کودک بود
		۱۷۱	بخوان و حفظ کن: چشمه و سنگ
		۱۷۴	درس هفدهم: کار و تلاش
		۱۸۴	بخوان و بیندیش: همه چیز را همگان دانند
		۱۸۸	حکایت: جوان و راهزن
		۱۸۹	نیایش

## مقدمه

### به نام خدا

«به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد»

کتاب فارسی پنجم برخلاف فارسی چهارم یا فارسی ششم از نظر دانش زبانی یا واژه‌آموزی خیلی پرمحتوا نیست، اما شعرها و نثرهای زیبایی دارد که بخش دانش زبانی و واژه‌آموزی را کامل می‌کند. این کتاب را به دو بخش، تقسیم کردم که بخش اول آن مربوط می‌شود به معنی شعرها، نثرها، لغت‌ها و شرح و بررسی کامل واژه‌آموزی‌ها و دانش‌های زبانی به همراه تمرین‌ها و پاسخ تشریحی. بخش دوم آن، مربوط می‌شود به تست‌های درس به درس همراه با پاسخ تشریحی کامل. در این بخش تمام لغت‌ها، دستورها، آرایه‌ها، معنی و مفهوم و املا و هم‌خانواده به صورت کامل طراحی شد که توانایی دانش‌آموز را مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهد.

در پایان، قدردان همه‌ی همکاران و دوستان خوبم هستم:

سرکار خانم آزاده امیدمهر که با حوصله و دقت بسیار این کتاب را چندین بار خوانده‌اند و ویراستاری کرده‌اند. دانشجوی خوب، سرکار خانم فاطمه آخوندی، سرکار خانم لیلا فرحی هم سپاسگزارم که در بخش‌هایی از کتاب بنده را همراهی کرده‌اند.

از خانم‌ها معصومه عزیزی و ملیحه محمدی آندرس که بخش‌های اول و دوم کتاب را با حوصله‌ی فراوان حروف‌چینی کرده‌اند؛ خانم مینا غلام‌احمدی (طراح) و خانم بهاره خدای (طراح جلد) قدردانی می‌کنم. امیدوارم که این کتاب مورد استفاده‌ی تمام دانش‌آموزان و معلمان گرانقدر، قرار بگیرد. همچنین منتظر پیشنهادهای ارزشمند همه‌ی دوستان خواهم ماند.

**پاینده باشید!**

**حمید طالب‌تبار**

معنی لغت، شعر و جمله‌های دشوار  
و  
بررسی و توضیح تمام دانش‌های زبانی، ادبی  
و  
واژه آموزشی

بخش  
اوّل





ستایش  
ای همه هستی ز تو پیدا شده



پرگرفته از: کتاب معجز الاسرار نظامی

قالب شعر: مثنوی

معنی واژه‌ها به ترتیب بیت‌ها



(۱) **چاره:** تدبیر، راه حل  
**که:** چه کسی (به که روی آوریم؟)  
**قبله:** جهتی که در نماز به آن روی می‌آورند.  
**نوازی:** مهربانی و نوازش نکنی، محبت نکنی.  
**مونس:** همدم، یار  
**غمخوارگان:** غمخواران، رنج دیدگان  
**بیچارگان:** درماندگان، عاجزان، نیازمندان

**هستی:** وجود، آفرینش، جهان  
**خاک:** در این بیت به معنی انسان  
**از پی:** به دنبال  
**بیم:** ترس، خوف  
**بینشای:** عفو کن، از گناه ما درگذر و چشم‌پوشی کن  
**بینش:** نعمت دادن، چیزی را به کسی دادن  
**کریم:** بخشنده، با کرم



محتوای شعر

این شعر، مناجات نامه است، یعنی راز و نیاز کردن انسان با خداوند که آرامش بخش دل‌ها می‌باشد.  
در این شعر، شاعر به عظمت خداوند اشاره می‌کند و از او می‌خواهد که نیازش را برطرف کند. در حقیقت، این شعر  
بیانگر نیاز شاعر و بی‌نیازی خداوند است.

معنی بیت‌ها



بیت ۱: ای همه هستی ز تو پیدا شده خاکِ ضعیف از تو، توانا شده



**معنی:** ای [خدایی] که تمام آفرینش و پدیده‌ها را به وجود آوردی. وجود خاکی انسان ضعیف، با اراده‌ی تو، توانایی و قدرت، گرفته است.

**آرایه‌ی ادبی:** ضعیف و توانا ← تضاد

**نکته‌ی دستوری:** این بیت از سه جمله تشکیل شده است. / بعد از نشانه‌ی ندای «ای»، منادا حذف شده است. (منادای حذف شده ← کسی که (خدا)).

۱- توجه: تمام لغت‌های ستاره‌دار هر درس، در واژه‌نامه‌ی پایان کتاب، معنی شده‌اند.

**بیت ۲:** از پیِ توست، این همه امید و بیم هم تو ببخشای و ببخش، ای کریم  
**معنی:** تمام امید و ترس، برای تو (به دنبال تو) است؛ بنابراین، ای خداوند بخشنده، نعمت‌هایت را به ما ببخش و از اشتباهات و گناهان ما، بگذر (از گناهان ما، چشم‌پوشی کن).  
**آرایه‌ی ادبی:** امید و بیم ← تضاد  
**نکته‌ی دستوری:** این همه امید و بیم ← گروه نهادی / کریم ← منادا (ای کریم، یک جمله به حساب می‌آید).



## توجه

دو واژه‌ی «ببخش» و «ببخشای» را نباید به جای هم به کار ببریم؛ این کار، اشتباه است. ببخش از مصدر «بخشیدن» و ببخشای از مصدر «بخشودن» است.

**بیت ۳:** چاره‌ی ما ساز که بی‌یاوریم گر تو برانی، به که روی آوریم؟  
**معنی:** مشکل ما را که بدون یاور هستیم، برطرف کن. اگر ما را از درگاهت، دور کنی، ما به کس دیگری نمی‌توانیم پناه ببریم.  
**آرایه‌ی ادبی:** روی آوریم ← کنایه از پناه ببریم.  
**نکته‌ی دستوری:** این بیت از چهار جمله، تشکیل شده است که به ترتیب، امری، خبری، خبری و پرسشی هستند.

**بیت ۴:** جز در تو، قبله نخواهیم ساخت گر ننوازی تو، که خواهد نواخت؟  
**معنی:** ما، فقط، در گاه تو را به عنوان قبله، انتخاب می‌کنیم، اگر تو ما را مورد لطف و مهربانی خودت قرار ندهی، هیچ‌کس دیگری به ما محبت نمی‌کند.

**بیت ۵:** یار شو، ای مونسِ غمخوارگان چاره کن، ای چاره‌ی بیچارگان  
**معنی:** ای [خدایی] که همدم انسان‌های رنج‌کشیده، هستی، یاریمان کن. ای برطرف‌کننده‌ی مشکلات بیچارگان، چاره‌ای برای مشکلات ما، بیندیش.  
**نکته‌ی دستوری:** یار شو ← جمله‌ی امری / چاره کن ← جمله‌ی امری / منادای «کسی که» یا «خدایی» در هر دو مصراع، حذف شده است.

## واژه‌های مهم املائی

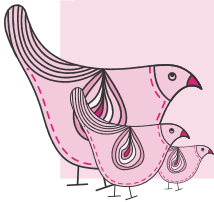
هستی - ضعیف - امید - ببخشای - چاره - قبله - ننوازی - خواهد نواخت - مونسِ غمخوارگان - بیچارگان



## واژه‌های مخالف

هستی ≠ نیستی / ضعیف ≠ توانا / امید ≠ بیم / بیچارگان ≠ توانمندان

## هم‌خانواده‌ی واژه‌ها



ضعیف ← مُستضعف - ضُعفا - ضعف  
 کریم ← کرامت - تکریم - مکارم  
 مونس ← اُنس - انیس - مَأنوس

## تاریخ ادبیات

نظامی (۶۱۴ - ۵۳۰ هـ. ق): شاعر نامدار ایرانی، معروف به نظامی در شهر «گنجه»، از شهرهای امروزی جمهوری آذربایجان، به دنیا آمد. در جوانی به تحصیل ادب و تاریخ، همت گماشت. داستان پردازی در منظومه‌های او به اوج می‌رسد. آثار نظامی عبارت‌اند از: مخزنُ الأسرار (با موضوع اخلاق، پند و حکمت)، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر و اسکندرنامه.

## قالب شعر



قالب این شعر، مثنوی است. مثنوی (دوگانی) به شعری گفته می‌شود که در هر بیت آن، قافیه‌ای جداگانه به کار رفته است؛ یعنی هر بیت آن، قافیه‌ای مستقل دارد و با بیت دیگر از نظر قافیه در ارتباط نیست.



## توجه

مثنوی، دست کم، دو بیت دارد اما حداکثر آن معلوم نیست.

## قافیه‌های بیت‌های شعر «ستایش»:

بیت اول: پیدا و توانا ← قافیه (شده ← ردیف) / بیت دوم: بیم و کریم ← قافیه (ردیف ندارد).  
 بیت سوم: یاوریم و آوریم ← قافیه (ردیف ندارد). / بیت چهارم: ساخت و نواخت ← قافیه (ردیف ندارد).  
 بیت پنجم: غمخوارگان و بیچارگان ← قافیه (ردیف ندارد).

## شکل قرار گرفتن قافیه‌ها در قالب مثنوی



آفرینش

درس اوّل: تماشاخانه  
درس دوم: فضل خدا

فصل اوّل





## درس اول

## تماشاخانه

برگرفته از: کتاب آفریده‌های ساکت خدا، نانسوی سویتلند  
ترجمه‌ی حسین سیدی

نوع نثر: ترجمه (ساده)

## معنی واژه‌ها به ترتیب سطرها



**نگاشته:** نوشته  
**موضوع:** مطلب، چیزی که درباره‌ی آن گفت‌وگو می‌کنند.  
**آفرینش:** خلقت، به وجود آوردن  
**شکننده:** ظریف و نازک  
**سنگلاخ:** زمینی که در آن، سنگ فراوان باشد.  
**سررد می‌آورند:** می‌رویند و رشد می‌کنند.  
**هیس:** ساکت!، این واژه، یک شبه جمله است و در شمارش جمله، یک جمله به حساب می‌آید.  
**توصیف:** وصف کردن  
**مخملی:** از جنس مخمل، نرم و ملایم  
**تالاب:** جایی که آب در آن جمع شود و بماند، آبگیر، برکه  
**می‌تنند (تار می‌تنند):** می‌بافند  
**سرزده:** بی‌خبر

**تماشاخانه:** جایی که در آن، چیزی به نمایش، گذاشته شود.  
**سرشار:** لبریز، پر، لبالب  
**شگفتی‌ها:** عجایب، پدیده‌های عجیب  
**پدیده:** چیز تازه به وجود آمده، نوظهور  
**لطیف:** زیبا، نرم  
**عجیب:** شگفت‌آور، غریب  
**تماشاگه:** محل تماشا و گردش  
**درنگ:** توقف، سکون  
**مقایسه کنیم:** بسنجیم  
**سر به فلک کشیده:** بسیار، بلند، مرتفع  
**تأمل:** اندیشه، درنگ  
**عالمان:** دانایان  
**کردار:** عمل، رفتار  
**گوارا:** مطبوع، دلچسب

نویسنده در این درس یادآور می‌شود که: تمام پدیده‌ها و آفریده‌های خداوند دارای هدف، نظم و زیبایی خاصی هستند. خداوند برای خلق هر یک از این پدیده‌ها، نظم و ترتیب چشمگیری را به کار برده است. تمام این موجودات، در حقیقت، ستایشگر خداوند هستند و خدا را می‌پرستند. انسان خردمند و خداشناس، با دیدن این همه پدیده‌ها به عظمت خدا، پی می‌برد.

## معنی بعضی از جمله‌های دشوار

هر کدام از این پدیده‌ها، تماشاگهی برای دیدن زیبایی‌های آفرینش و ایستگاه‌هایی برای اندیشیدن هستند.  
**معنی:** هر یک از این چیزهای تازه به وجود آمده، محلی برای تماشا کردن و دیدن زیبایی‌های آفرینش خداوند و جایی برای فکر کردن و اندیشه کردن درباره‌ی آن‌ها هستند.

عالم تماشاخانه‌ی شگفتی‌های آفرینش است. یعنی به هر طرف که نگاه می‌کنیم، آفریده‌های زیبای خداوند را می‌بینیم.  
 این جهان، دفتری است که خدای مهربان، به پاکی و زیبایی در آن نگاشته و می‌نگارد.  
**معنی:** دنیا جایی است که در آن، پدیده‌های عجیب و شگفت‌انگیز آفرینش به نمایش گذاشته می‌شود. یعنی به هر سمت، نگاه می‌کنیم، آفریده‌های زیبای خدا را می‌بینیم. این جهان مانند کتابی (دفتری) است که خداوند مهربان در آن، پاکی‌ها و زیبایی‌ها را نوشته است.  
**آرایه‌ی ادبی:** این جهان به دفتر مانند شده ← تشبیه

منظور از «پاکی» و «زیبایی»، کارهای شایسته و انسانی و پدیده‌های زیبای این جهان است.

همین علف‌های نازک و لطیف، از میان سنگلاخ، سر در می‌آورند.

**معنی:** همین علف‌های نرم و ظریف، از میان زمین‌هایی که پر از سنگ است، رشد می‌کنند و می‌رویند.  
**آرایه‌های ادبی:** سر در آوردن علف ← جان بخشی / سر در می‌آورند ← کنایه از می‌رویند.

آسمان، آبی آبی است و یک تگه ابر ساکت در آن شنا می‌کند.

**معنی:** آسمان صاف صاف بود و فقط یک تگه ابر کوچک در آن در حال حرکت بود.  
**آرایه‌های ادبی:** ابر ساکت ← جان بخشی / آسمان به دریا تشبیه شده که ابر در آن شنا می‌کند.

صدای شب‌نم صبحگاهی را، هنگامی که سرزده به خانه‌ی برگ، وارد می‌شود؟

**معنی:** [آیا تو] به هنگام صبح، صدای شب‌نم را که بی‌خبر بر روی برگ گل‌ها و درختان می‌نشیند می‌شنوی؟  
**آرایه‌های ادبی:** صدای شب‌نم ← جان بخشی / سرزده وارد شدن شب‌نم ← جان بخشی / سرزده ← کنایه از بی‌خبر، ناگهانی و غیر منتظره

### واژه‌های مهم املائی

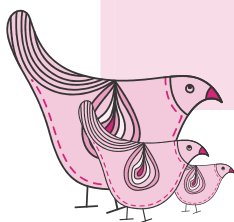
سرشار از شگفتی‌ها - پدیده‌هایی لطیف - عجیب - سادگی - می‌گذریم - تماشاگهی - ایستگاه‌ها - عالم - بیندیشم - مقایسه - دره‌هایی عمیق - گل و خار - طبیعت - تأمل - ویژگی - عادت - گوارایی - موضوع - علف - سنگلاخ - محکم - دعوت - هیس - مخملی - حلقه - صدای حشره‌ها - تالاب - چطور - عنکبوت - تار می‌تنند - صبحگاهی



لطیف ≠ خشن / درنگ ≠ عجله / بلندترین ≠ کوتاه‌ترین / ساده ≠ دشوار / بهار ≠ زمستان /  
 زیبا ≠ زشت / پاکی ≠ ناپاکی (پلیدی) / نرم ≠ زبر / نازک ≠ کلفت / کوتاه ≠ بلند / زمین ≠ آسمان /  
 روشنائی ≠ تاریکی / گرما ≠ سرما



لطیف ← لطف - الطاف - تلطیف  
 عجیب ← عجایب - تعجّب - متعجّب  
 آفرینش ← آفریده - آفریننده - آفریدگار  
 عالم ← علما - معلّم - تعلیم  
 مقایسه ← قیاس - مقیاس  
 عمیق ← عمق - اعماق  
 توصیف ← وصف - اوصاف - موصوف



## واژه آموزی (مخالف یا متضاد)

به جمله‌های زیر، دقت کنید.  
 (الف) او شب آمد و روز رفت.  
 (ب) در پاییز، شب‌ها بلند است، اما در تابستان، کوتاه.  
 در عبارت «الف»، دو واژه‌ی «شب» و «روز» با هم از نظر معنی، مخالف (متضاد) هستند.  
 در عبارت «ب»، دو واژه‌ی «بلند» و «کوتاه» با هم از نظر معنی، مخالف (متضاد) هستند.

توجه



از معنی واژه‌ها، پی می‌بریم که این کلمه‌ها، با هم مفهوم مخالف یا متضاد، دارند. به این واژه‌ها، **متضاد، مخالف یا تضاد، می‌گویند.**

نکته

فعل‌ها هم می‌توانند، تضاد زیبایی را به وجود بیاورند؛ مانند:  
 «گر برُوید یا نُرُوید، باغبان و رهگذاری نیست»  
 در این مثال دو فعل «بروید» (رویدن) و «نروید» (نرویدن) با هم مخالف هستند.

بهتر یاد بگیریم

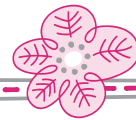
برای هر یک از واژه‌های زیر یک متضاد بنویسید.

بدان ← ..... جمع ← ..... مهر ← ..... بالا ← ..... دور ← ..... جوان ← .....

پاسخ: بدان ← خوبان، نیکان / جمع ← پراکنده / مهر ← کینه

بالا ← پایین / دور ← نزدیک / جوان ← پیر

## حروف (نشانه‌های) ربط درس اول نوشتاری، بخش درک متن



**حروف ربط:** کلمه‌هایی هستند که به تنهایی، معنی کاملی ندارند؛ اما برای پیوند دادن دو جمله، به کار می‌روند؛ مانند:

به کتاب فروشی رفتم تا او را ببینم ← («تا» دو جمله را به هم، پیوند داده است).

حروف (نشانه‌ها) ربط عبارت‌اند از: تا - اگر - اگرچه - زیرا - وقتی که - که - زمانی که - چون - سپس - بعد - چو - چون - اما - ولی - با وجود این که - و .....

## بهتر یاد بگیریم

جاهای خالی عبارت زیر را با یکی از نشانه‌های ربط، کامل کنید.

«..... می‌خواهیم عالم را بهتر بشناسیم، یک راه ساده آن است ..... پدیده‌ها را خوب تماشا کنیم، درباره‌ی آفرینش هر یک بیندیشیم ..... آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کنیم.»

**پاسخ:** به ترتیب، نشانه‌های «اگر - که - و» متن بالا را کامل می‌کند.

«چو» و «چون»، در صورتی نشانه‌های ربط هستند که به معنی «زمانی که»، «وقتی» و «اگر» به کار بروند؛ مانند:

چو ایران نباشد تن من مباد ← «چو» به معنی «اگر» یا «زمانی که» ← حرف ربط است.

اگر «چو» و «چون» به معنی «مثل» و «مانند» به کار روند، حرف ربط نیستند، مانند:

چون شیر، شجاع باش ← «چون» به معنی «مانند» ← حرف ربط نیست.

**نکته مهم**

### تمرین‌های مربوط به کتاب درسی

#### درست و نادرست

- ۱- دیدن شگفتی‌های عالم و تأمل درباره‌ی آن‌ها راه مناسبی برای شناخت است. درست  نادرست
- ۲- سبزه‌ها و علف‌ها به اندازه‌ای نرم و شکننده هستند که نمی‌توانند از میان سنگلاخ، سر در بیاورند. درست  نادرست
- ۳- تاریکی شب، روشنایی روز و شب‌نیم صبحگاهی همه از آفریده‌های ساکت خدا هستند. درست  نادرست

#### درک مطلب

- ۴- چه راه‌هایی برای شناخت بهتر این عالم وجود دارد؟
- ۵- علف سبز و لطیفی را که در میان سنگلاخ رویده است با چشمه‌ی روانی که از دل کوه می‌جوشد، مقایسه کنید. شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را بگویید.
- ۶- منظور از آفریده‌های ساکت خدا چیست؟

### تمرین‌های مربوط به متن درس اول

- ۷- در بیت زیر، منظور از «خاک ضعیف» چیست؟  
ای همه هستی ز تو پیدا شده
- ۸- در بیت زیر، واژه‌های مخالف، وجود دارد.  
از پی‌توست این همه امید و بیم
- ۹- در بیت زیر ..... جمله‌ی امری به کار رفته است.  
یار شو، ای مونسِ غمخوارگان
- ۱۰- «لطیف» با واژه‌های ..... ، ..... و ..... هم خانواده است.
- ۱۱- جای خالی عبارت زیر را کدام واژه‌ی داخل پرانتز کامل می‌کند؟  
«..... درباره‌ی چیزهایی که هر روز می‌بینیم، راه مناسبی برای شناخت آن‌ها است.» (تعَمَل - تأمَل)
- ۱۲- تمام جمله‌های عبارت زیر، امری هستند.  
«نگاه کن و به صداهای کوتاه و بلند، گوش بده تا آفریده‌های ساکت خدا را بشناسی.»

## تمرین‌های مربوط به واژه آموزشی درس اول

### ۱۳- در کدام گزینه، تضاد، وجود ندارد؟

- (۱) آوازِ عشق از چپ و راست می‌رسد.
- (۲) آسمان و زمین را نورِ آفتاب در برگرفته است.
- (۳) بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار
- (۴) ابر و خورشید و ستاره آفرید.

### ۱۴- در کدام گزینه، متضاد به کار نرفته است؟

- (۱) ستایشگران را از خود دور بدار و دوستان را به خود نزدیک کن.
- (۲) مبادا که در حکومت تو، خادم و خائن (= خیانت‌کار) یکسان باشند.
- (۳) با بیچارگان، فروتن باش و توفنده نباش.
- (۴) در آنان چنان بنگری که توقع داری خداوند در تو بنگرد.

### ۱۵- در کدام بیت، تضاد وجود ندارد؟

- (۱) چو فرزند را دید مویش سفید
  - (۲) بخندند بر من، مه‌ان جهان
  - (۳) پدر مهر ببریید و بفکنند خوار
  - (۴) یکی کوه بُد نامش البرز کوه
- بشد از جهان یکسره نا امید  
از این بچه در آشکار و نهان  
جفا کرد بر کودک شیرخوار  
به خورشید نزدیک و دور از گروه

### ۱۶- در کدام گزینه، واژه‌های مخالف وجود دارد؟

- (۱) یاریمان کن تا به تلاشی بزرگ‌تر و کوششی پُرشورتر بیندیشیم.
- (۲) کیست که بی‌لطف و هدایت تو، سعادت و موفقیت را دریابد؟
- (۳) به ما کمک کن تا راه راستی و درستی و نیک فرجامی را ببوییم.
- (۴) ای خدای همه‌ی آغازها و پایان‌ها.

### ۱۷- تمام واژه‌های همه‌ی گزینه‌های رابطه‌ی یکسانی دارند به جز .....

- (۱) زودگذر - ماندگار
- (۲) گمنامی - شهرت
- (۳) نیاز - احتیاج
- (۴) بزرگ - خرد

### ۱۸- در کدام بیت، تضاد بیشتری به کار رفته است؟

- (۱) صورتِ زیبایِ ظاهر، هیچ نیست
  - (۲) فضلِ خدای را که تواند شُمار کرد
  - (۳) بحر آفرید و بر و درختان و آدمی
  - (۴) شادی ندارد آن که ندارد به دل غمی
- ای برادر، سیرتِ زیبا، بیار  
یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد  
خورشید و ماه و آنجُم و لیل و نهار کرد  
آن را که نیست عالم غم، نیست عالمی

### ۱۹- برای هر یک از واژه‌های زیر، واژه‌ی متضاد بنویسید.

- |         |         |
|---------|---------|
| زشت ←   | تاریک ← |
| گل ←    | گرما ←  |
| کوتاه ← | ظلمت ←  |

### تمرین‌های مربوط به نوشتاری (نشانه‌های حرف) درس اول

۲۰- جاهای خالی را با یکی از نشانه‌های ربطِ «اما، ولی، چون، زیرا، سپس، بعد» پر کنید.

الف) مسعود کاغذ و قلم را از احمد آقا گرفت ..... نمی‌دانست از کجا شروع کند و چه بنویسد.

ب) کوه‌ها منبع خیر و برکت هستند ..... هزاران چشمه از دل آن‌ها می‌جوشد.

ج) ..... به خداوند اعتماد دارم، تمام سختی‌های زندگی را تحمل می‌کنم.

د) استفاده از وسایل نقلیه‌ی موتوری، رفت و آمد را آسان کرده است. .... مشکلاتی را هم ایجاد می‌کند.

ه) متن درس تماشخانه را با دقت بخوانید، ..... به پرسش‌های آن پاسخ دهید.

و) ..... گل‌ها را خیلی دوست داشت، تصمیم گرفت از این راه جانشینی برای خود انتخاب کند.

۲۱- همهی گزینه‌ها، حرف پیوند است به جز .....

ا) اگرچه (۱)      ب) به سوی (۲)      ج) زمانی که (۳)      د) زیرا (۴)

۲۲- در کدام گزینه، حرف «تا»، نشانه‌ی ربط نیست؟

ا) علم آموز تا کسی باشی (۱)      ب) رفتم تا اوج از عطر گل‌ها رهاتر (۲)

ج) نگر تا که دهقان دانا چه گفت (۳)      د) تا ببیند که عیب کار از چیست؟ (۴)

۲۳- در بیت: «به دانش‌گرای و بدو شو بلند / چو خواهی که از بد، نیابی گزند» چند حرف ربط وجود دارد؟

ا) یک (۱)      ب) دو (۲)      ج) سه (۳)      د) چهار (۴)

۲۴- در کدام گزینه، نشانه‌ی ربط، وجود ندارد؟

ا) چو باز آمدم کشور آسوده دیدم (۱)      ب) چون از او گشتی همه چیز از تو گشت (۲)

ج) چون شیر به خود سپه شکن باش (۳)      د) چو خورشید تابان بگسترده پر (۴)

۲۵- جاهای خالی عبارت زیر را واژه‌های کدام گزینه، کامل می‌کند؟

«در سرمای سخت ..... گرمای زیاد، پژمرده می‌شوند ..... گاهی می‌بینیم همین علف‌های نازک و

لطیف، از میان سنگلاخ سر در می‌آورند، یا کف زمین سخت و محکم را می‌شکافند ..... بیرون می‌آیند.»

ا) و - سپس - تا (۱)      ب) یا - ولی - و (۲)      ج) چون - ولی - تا (۳)      د) و - زیرا - و (۴)



## پاسخ تشریحی تمرین‌های درس اول

- ۱- درست ✓
- ۲- نادرست ✓
- ۳- درست ✓
- ۴- راه‌های شناخت بهتر عالم عبارت‌اند از:  
پدیده‌ها را خوب تماشا کنیم. درباره‌ی آفرینش هر یک بیندیشیم و آن‌ها را با هم مقایسه کنیم. مطالعه در طبیعت و تأمل درباره‌ی چیزهایی که هر روز می‌بینیم.
- ۵- شباهت: هم علف سبز هم چشمه، از دل سنگ، روان می‌شوند و بیرون می‌آیند.  
تفاوت: چشمه، جاری می‌شود اما سبزه همان‌جا باقی می‌ماند و رشد می‌کند و سرسبز می‌شود.
- ۶- منظور، آفریده‌هایی که از خود صدا ندارند، اما وجود دارند و حتی خداوند را ستایش می‌کنند؛ مانند: صدای تاریکی شب - صدای روشنایی روز - رشد کردن علف‌ها - صدای شب‌نم صبحگاهی - صدای ماهی‌های تالاب - صدای حشره‌ها - صدای پروانه‌ها با بال‌هایی مخملی
- ۷- منظور از خاک ضعیف، انسان است.
- ۸- درست ✓ بیم و امید، مخالف هستند.
- ۹- دو جمله‌ی امری به کار رفته است: ۱- یار شو ۲- چاره کن
- ۱۰- لطیف با واژه‌های لطف، الطاف و لطیفه هم خانواده است؛ چون که در سه حرف اصلی «ل، ط، ف»، مشترک هستند.
- ۱۱- املائی درست ← تأمل (به معنی اندیشیدن)
- ۱۲- نادرست ✓ نگاه کن ← جمله‌ی امری / به صداهای کوتاه و بلند، گوش بده ← جمله‌ی امری / آفریده‌های ساکت خدا را بشناسی ← جمله‌ی خبری
- ۱۳- گزینه‌ی ۴؛ گزینه‌ی ۱: چپ و راست ← تضاد (متضاد) / گزینه‌ی ۲: آسمان و زمین ← تضاد / گزینه‌ی ۳: لیل و نهار ← تضاد
- ۱۴- گزینه‌ی ۴؛ گزینه‌ی ۱: دور و نزدیک / گزینه‌ی ۲: خادم (= خدمتکار) و خائن (= خیانتکار) / گزینه‌ی ۳: فروتن و توفنده
- ۱۵- گزینه‌ی ۱؛ گزینه‌ی ۲: آشکار و نهان / گزینه‌ی ۳: میهر و جفا / گزینه‌ی ۴: نزدیک و دور
- ۱۶- گزینه‌ی ۴؛ واژه‌های مخالف ← آغازها و پایان‌ها
- ۱۷- گزینه‌ی ۳؛ واژه‌های نیاز و احتیاج با هم مترادف هستند؛ اما بقیه‌ی گزینه‌ها با هم متضاد هستند.
- ۱۸- گزینه‌ی ۳؛ واژه‌های تضاد، به ترتیب گزینه‌ها عبارت‌اند از: صورت و سیرت / یکی و هزار / بحر و برّ (دریا و خشکی) / لیل و نهار (شب و روز) / شادی و غم
- ۱۹- زشت ← زیبا / تاریک ← روشن / گل ← خار / کوتاه ← بلند / ظلمت ← روشنایی / گرم ← سرما
- ۲۰- الف ← اما (ولی) / ب ← زیرا / ج ← چون / د ← ولی (اما) / ه ← سپس (بعد) / و ← چون
- ۲۱- گزینه‌ی ۲.
- ۲۲- گزینه‌ی ۲؛ «تا» در گزینه‌ی ۲ مفهوم فاصله‌ی زمانی را می‌رساند و دو جمله را به هم ربط نمی‌دهد.
- ۲۳- گزینه‌ی ۳؛ حروف (نشانه‌ها) ربط ← و - چو - که
- ۲۴- گزینه‌ی ۳؛ در گزینه‌ی ۳، چون به معنی مثل و مانند است و حرف ربط نیست.
- ۲۵- گزینه‌ی ۲.

## بخوان و حفظ کن

## رقص باد، خنده‌ی گل

## قالب شعر: مثنوی

## شاعر: پروین دولت آبادی

## معنی واژه‌ها به ترتیب بیت‌ها

رفته‌رفته: آرام آرام	تاک: درخت انگور، مو
نارون: درختی برگ ریز که در همه جا پراکنده و از جمله درختان جنگلی نقاط معتدل است.	برگ نو: برگ و جوانه‌ی تازه
رنگ‌رنگ: دارای رنگ‌های مختلف	شاخساران: درختان انبوه و پرشاخ و برگ
بیدبُن: درخت بید (بُن: بوته، ریشه، درخت)	کهن: قدیم، گذشته
از هم گسیخت: از هم جدا شد. (گسیخت: پاره شد، جدا شد.)	گل بوته: بوته‌ی گل (بوته: گیاهی که بلند نباشد و به زمین، نزدیک باشد)
بستان: باغ	نغمه‌خوان: آواز خوان
دهقان: کشاورز، باغبان	باز: دوباره
کوتاه: مخفف کوتاه	آشیان: لانه، خانه

این شعر درباره‌ی تغییر فصل‌هاست. شاعر در این شعر، فصل‌ها را به زیبایی به تصویر می‌کشد، بعد از تابستان، فصل پاییز با زرد شدن سبزه‌زاران و برگ‌های درختان فرا می‌رسد. بعد از پاییز فصل به خواب رفتن باغ و بوستان است؛ یعنی فصل زمستان.

محتوای شعر

فصل پاییز و زمستان می‌رود  
بار دیگر، چون بهاران می‌شود  
دوباره بهار از راه می‌رسد و جهان و طبیعت خداوند بار دیگر زندگی و شادابی از سر می‌گیرد و شکوفه باران می‌شود.

## معنی بیت‌ها

بیت ۱: بادِ سرد، آرام بر صحرا گذشت سبزه‌زاران، رفته‌رفته، زرد گشت

معنی: باد سردی، به آرامی، بر صحرا وزید و گذشت. سبزه‌زاران هم، کم کم، زرد شد. (پاییز از راه، رسید.)

نکته‌ی دستوری: باد سرد ← ترکیب وصفی (باد ← موصوف و سرد ← صفت)



بیت ۲: تک درختِ نارون، شد رنگ‌رنگ زرد شد آن چترِ شاداب و قشنگ

**معنی:** [به خاطر رسیدن پاییز] برگ‌های تک درخت نارون، رنگارنگ شد و آن برگ‌های زیبای درخت نارون که مانند چتری شاداب و زیبا بود، زرد شد.

**آرایه‌ی ادبی:** درخت نارون به چتر تشبیه شده است.

منظور از «چتر شاداب و قشنگ»، برگ‌های زیبای درخت نارون است که به شکل یک چتر می‌باشد. (تشبیه برگ‌ها و شاخه‌های نارون به چتر زیبا)



نکته

**نکته‌ی دستوری:** تک درخت نارون ← نهاد / چتر شاداب و قشنگ ← دو ترکیب وصفی است.



بیت ۳: برگِ برگِ گل به رقصِ باد، ریخت رشته‌های یُبدُن از هم گسیخت

**معنی:** بر اثر وزش باد، تمام برگ‌های گل، بر زمین ریخت و شاخه‌های نازکِ درخت بید، از هم جدا و قطع شد.

**آرایه‌ی ادبی:** رقص (رقصیدن) باد ← جان‌بخشی (تشخیص)

**نکته‌ی دستوری:** بید بُن ← واژه‌ی مرکب است. (= بید بُن ← بُن بید)



توجه

منظور از «رشته‌ها»، همان شاخه‌های نازک درخت بید است.



بیت ۴: چشمه کم‌کم خشک شد، بی‌آب شد باغ و بُستان، ناگهان در خواب شد

**معنی:** چشمه، کم‌کم، خشک شد و دیگر آب نداشت. باغ و بوستان، به یکباره، به خواب زمستانی رفتند.

**آرایه‌های ادبی:** چشمه و آب ← تناسب / باغ و بُستان ← تناسب / باغ و بوستان ← در خواب شد ← جان‌بخشی

☆ منظور از «در خواب شد»، خواب زمستانی است.



بیت ۵: کرد دهقان، دانه‌ها در زیر خاک کرد کوتاه، شاخه‌ی پیچان تاک

**معنی:** کشاورز، دانه‌ها را در دل خاک، کاشت و شاخه‌های بلند و پیچ در پیچ انگور را کوتاه کرد.



توجه

مصراع دوم به هرس کردن اشاره دارد. (به کوتاه کردن شاخه‌های بلند درختان، هرس کردن می‌گویند.)



بیت ۶: فصل پاییز و زمستان می‌رود بار دیگر، چون بهاران می‌شود

**معنی:** وقتی که دوباره، بهار بیاید، فصل پاییز و زمستان به پایان می‌رسند.

**نکته‌ی دستوری:** «ان» در بهاران، مفهوم زمان دارد: زمان بهار (نباید با نشانه‌ی جمع، اشتباه شود).

**بیت ۷:** از زمین خشک، می‌روید گیاه چشمه جوشد، آب می‌افتد به راه  
**معنی:** از زمین خشک و بی‌روح، دوباره، گیاه می‌روید و چشمه می‌جوشد و پُر از آب می‌شود و آب بر روی زمین جاری می‌گردد.  
**نکته دستوری:** زمین خشک ← ترکیب وصفی / گیاه، چشمه و آب ← نهاد / بیت از سه جمله تشکیل شده است.

**بیت ۸:** برگ نو آرد، درخت نارون سبز گردد، شاخساران کهن  
**معنی:** از درخت نارون، برگ تازه می‌روید و شاخه‌های قدیمی (شاخه‌های خشک)، دوباره، جوانه می‌زند و سبز می‌شود.  
**نکته دستوری:** برگ نو و شاخساران کهن، ترکیب وصفی هستند.

**بیت ۹:** گل بخندد، بر سر گل بوته‌ها پُر کند بوی خوش گل، باغ را  
**معنی:** بر سر بوته‌ها، گل می‌روید و شکوفا می‌شود و بوی این گل‌ها، تمام باغ را پُر می‌کند.  
**آرایه ادبی:** گل بخندد ← تشخیص  
**نکته دستوری:** بیت از دو جمله تشکیل شده است. / گل ← نهاد / بوی خوش گل ← نهاد / باغ ← مفعول



توجه

منظور از «خندیدن گل» شکوفا شدن آن است.

**بیت ۱۰:** باز می‌آید پرستو، نغمه‌خوان باز می‌سازد در اینجا آشیان  
**معنی:** دوباره، در فصل بهار، پرستو در حالی که آواز می‌خواند، برمی‌گردد و دوباره در این جا، لانه‌اش را می‌سازد.

## واژه‌های مهم املائی

صحرا - سبزه‌زاران - چتر - رقص - بیدبُن - گسیخت - باغ و بُستان - دهقان - تاک - برگ نُو - شاخساران کهن  
 - گل بوته‌ها - نغمه‌خوان



واژه‌های مخالف

سرد ≠ گرم / آرام ≠ ناآرام / رفته‌رفته ≠ تند و سریع / شاداب ≠ غمگین / خواب ≠ بیدار / پاییز ≠ بهار / خشک ≠ خیس / نُو ≠ کهنه / کهن ≠ جدید / بخندد ≠ بگرید